Archive of SID

اقتصادکشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ٤٩، بهار ١٣٨٤

چالشهای تأمین مالی خُرد روستایی در ایران

مقایسه تطبیقی صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش

دکتر علی حسن‌زاده*، صالح قویدل *

چکیده

در گذشته عقیده بر این بوده است که مانع اصلی توسعه و پیشرفت کشورهای توسعه نیافته، کمبود سرمایه است و به این دلیل کشورهای توسعه نیافته در دور باطل توسعه گرفتار می‌شوند و هیچ راهی جز انباشت سرمایه و ثروت برای خروج از این دور باطل وجود ندارد. اما نگرش امروز نگرشی کاملاً متفاوت است، به طوری که وجود سرمایه شرط لازم برای توسعه است نه شرط کافی؛ زیرا کشورهای در حال توسعه‌ای که از خود منابع طبیعی و ثروتهای خدادادی و سرمایه اندکی داشتند، ثابت کردند که با همین سرمایه اندک می‌توان به توسعه و پیشرفت رسید. یکی از راهکارهای مناسب برای دستیابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی، به کارگیری نظامهای مالی کارا جهت به جریان انداختن سرمایه‌های راکد و اندک در جامعه است، زیرا این نظامها به واسطه کارکردهای اساسی خود، یعنی

* به ترتیب اعضای هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزه کوه

e-mail: alihasanzadeh2003@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

گردآوری پس‌اندازها از منابع متنوع خصوصی و هدایت آنها به سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و مولد و نه صرفاً درآمدزا، ضمن روان کردن مبادلات کالاها و خدمات، باعث کاهش ریسک و هزینه‌های تأمین سرمایه می‌شوند و در نهایت، به واسطه تراکم سرمایه و نوآوریهای فنی، آثار درخور توجهی برایجاد فرصتهای جدید شغلی و افزایش ظرفیتهای درآمدی می‌گذارند.

در این مطالعه سعی خواهد شد با مروری گذرا بر عملکرد و تجربه موفق سایر کشورها، بویژه تجربه گرامین بانک بنگلادش و صندوق قرض‌الحسنه روستایی در ایران، با مقایسه نسبتهای نفوذپذیری، خودکفایی مالی، ارزش سپرده به وامها، ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی و ارزش افزوده به تعداد کارکنان در دو مؤسسه مالی یاد شده راهکار مناسبی برای رفع مشکلات تأمین مالی خرد در روستاهای ایران ارائه شود. بنابراین، هدف این تحقیق شناخت مزایا و معایب هر کدام و ارائه یک الگوی کاربردی و پیشنهادی برای کشورمان است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شاخصهای نفوذپذیری، خودکفایی مالی و ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی مربوط به صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی ایران به مراتب کمتر از این شاخصها در مورد گرامین بانک بنگلادش است.

کلید واژه‌ها:

مؤسسات تأمین مالی خرد، نوآوریهای فنی، توسعه نیافتگی بازارهای مالی، اقتصاد دانایی محور

مقدمه

توسعه‌نیافتگی بازارهای مالی در کشورهای کم درآمد و در حال توسعه استفاده از اعتبارات و خدمات مالی را برای گروههای کم درآمد و فقیر، بویژه برای روستاییان، با ریسک چشمگیری همراه کرده است. دراین‌گونه کشورها، به علت ناکارامدی بازارهای مالی، نه تنها قشر عظیمی از جامعه توان دسترسی به منابع مالی را ندارند، بلکه سازوکار تجهیز منابع و پس‌اندازها نیز دارای وضعیت مناسبی نیست(سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۹). با وجود چنین شرایطی، فرایند انباشت سرمایه به تأخیر می‌افتد، بهره‌وری کاهش می‌یابد، زمینه‌های ایجاد فرصتهای جدید شغلی

www.SID.ir

Archive of SID

محدود می‌شود و هزینه‌های استفاده از منابع مالی به شدت افزایش می‌یابد و در نهایت، به علت ناتوانی نظام مالی در تخصیص پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری‌های مولد، پس‌اندازها محدود می‌گردد و یا به شکل خرید داراییهای واقعی مانند زمین، طلا و کالاهای بادوام درمی‌آید. این عوامل بر رشد وتوسعه اقتصادی یک جامعه اثر منفی می‌گذارد. در کشورهای در حال توسعه نهادهای مالی دولتی سهم بالایی در بازار مالی دارند، ولی طبق شواهد، این نهادها غالباً دارای عملکرد بسیار ضعیفی‌اند، در حالی که به شدت مورد حمایت دولت قرار دارند و با استفاده از یارانه‌های فراوان به فعالیتهای غیراقتصادی خود ادامه می‌دهند (World Bank, 1980-1996).

با توجه به ساختار جمعیت فقیر در کشورهای در حال توسعه و تمرکز آنها در بخش روستایی، مؤسسات تأمین مالی خرد (MFI)[1] می‌توانند نقش بسیار مؤثری در توسعه بازارهای مالی ایفا کنند و ابزاری به منظور افزایش رشد و توسعه اقتصادی باشند(Iftekhar & Sakhawat, 1996). این نهادها با ارائه خدمات مالی در سطوح بسیار کوچک، اعم از اعطای اعتبارات اولیه و یا تجهیز پس‌اندازهای کوچک افراد، موجب رشد و توسعه اقتصادی می‌شوند. به طور کلی توسعه و گسترش مؤسسات تأمین مالی خرد موجب می‌شود که:

الف)نیازهای سرمایه‌ای کارفرمایان خرد تأمین شود. ب) فرصت مناسب سرمایه‌گذاری برای این سرمایه‌ها فراهم گردد. ج) فرصت پس‌انداز برای افراد پدید آید و د) با ادامه فعالیت درازمدت این مؤسسات، عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد صورت گیرد.

ساماندهی نهادهای مالی و اعتباری در جهت هدفهای توسعه درونزای روستایی یک ضرورت است واکثر کشورها نیز درفرایند توسعه روستایی به این مقوله پرداخته‌اند. این نکته جالب توجه است که ایجاد مؤسسات اعتباری و مالی خصوصی در مناطق روستایی آنچنان که در شهرها رایج است، توجیه اقتصادی و بازدهی مناسب ندارد و لذا کسی اقدام به این کار نمی‌کند، در حالی که در فرایند تحول ساختار اقتصادی مناطق روستایی از اقتصاد معیشتی ـ مبادلاتی به اقتصاد بازار، عامل سرمایه و نهادهای مالی و اعتباری نقش اساسی دارند. بنابراین، ضرورت ایجاد مؤسسات

1. micro finances

www.SID.ir

Archive of SID

اعتباری غیر دولتی روستایی در کشورهای در حال توسعه کاملاً روشن است، ولی ایجاد این مؤسسات نیازمند حمایتهای اولیه دولت برای استقرار و شکلگیری می‌باشد.

رویکردهای تأمین مالی در مناطق روستایی

به طور کلی می‌توان رویکردهای تأمین مالی روستایی در جهان را به دو دسته زیر تقسیم کرد (ایرانشاهی، ۱۳۸۰):

۱. رویکرد سنتی تأمین مالی روستایی

رویکرد سنتی معمولاً نشاندهنده سطح بالایی از مداخله دولت به شکل تسهیلات اعتباری هدفمند از طریق مؤسسات مالی روستایی دولتی و تحت مدیریت دولت است. این رویکرد معمولاً هدفهای کوتاهمدت برای دستیابی به منافع تولید کشاورزی را به جای هدفهای درازمدت برای گسترش پایداری درآمد روستایی دنبال می‌کند. و دارای ویژگیهای زیر است:

ـ یارانه‌ها به شکل نرخهای وامدهی ترجیحی بوده و سقف مبلغ وام اعطایی (به منظور جبران عدم بازپرداخت‌های احتمالی) بیشتر شامل حال کشاورزان ثروتمند و متنفذ شده و در نتیجه، این امر به محروم ماندن کشاورزان از دریافت وام و کاهش دسترسی فقرا به‌اعتبارات انجامیده است.

ـ راهبردهای مورد نظر در این رویکرد معمولاً هدفهای کوتاهمدت برای دستیابی به منابع تولید کشاورزی را به جای هدفهای درازمدت برای گسترش پایدار درآمد روستایی دنبال می‌کند.

ـ تسهیلات اعتباری کشاورزی یارانه‌ای در برخی مواقع باعث ناکارامدی تولید شده و در مواردی نیز در نتیجه تشویق پذیرش فناوری کشاورزی بیش از حد سرمایه بر و نیز اعطای وامهای کم‌بهره، موجبات جابه جایی نیروهای کار کشاورزی و افزایش بیکاری روستایی را فراهم‌کرده است.

۲. رویکرد جدید تأمین مالی روستایی

www.SID.ir

Archive of SID

رویکرد جدید بر هدفهای اولیه توسعه همه‌جانبه، یعنی گسترش درآمد و کاهش فقر، متمرکز است. به عبارت دیگر، اقتصاد دانایی محور[1] است. رویکرد جدید نشان داده‌است که فراهم کردن تأمین مالی روستایی همیشه بهترین روش هزینه ـ کارایی دستیابی به‌این هدفها نیست. واسطه‌گری مالی روستایی کارامد را می‌توان در کنار اقدامات دولتی دیگر، نظیر افزایش سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های روستایی و توسعه‌انسانی، به کار گرفت.

عواملی که در رویکرد جدید تأمین مالی روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد عبارت است:

ـ گسترش درآمد روستانشینان یا کشاورزان[2]

ـ شناسایی و ارزیابی ناکارامدی‌های بازارهای مالی روستایی

ـ کاهش فقر

ـ ایجاد محیط سیاستی مناسب برای واسطه‌گری‌های روستایی

ـ ایجاد محیط اقتصادکلان مطلوب از طریق اجتناب از انحرافهای پی در پی در متغیرهای کلیدی کلان اقتصادی

ـ اصلاح سیاستهای متعصبانه در برابر توسعه روستایی و کشاورزی

ـ توسعه بازارهای مالی کارامد

نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی

اغلب چنین تصور می‌شود که مانع اصلی توسعه و پیشرفت کشورهای توسعه نیافته، کمبود سرمایه‌است و کشورها برای رهایی از دور باطل توسعه هیچ راهی جز انباشت سرمایه و ثروت ندارند. اما نگرش امروز بر این است که وجود سرمایه شرط لازم برای توسعه است، اما شرط کافی نیست. یکی از راهکارهای مناسب برای رسیدن به توسعه و پیشرفت فنی و اقتصادی به کارگیری نظامهای مالی کارا جهت به جریان انداختن سرمایه‌های راکد در جامعه‌است، زیرا این نظامها با کارکردهای

---

۱. منظور از اقتصاد دانایی محور این است که برای توسعه بخش کشاورزی باید قبل از توجه به محصولات کشاورزی و کارایی آنها به شرایط اقتصادی کشاورز توجه کرد.

۱.معمولاً در اکثر کشورهای در حال توسعه اکثریت روستانشینان به فعالیتهای کشاورزی اشتغال دارند.

www.SID.ir

Archive of SID

اساسی خود، یعنی گردآوری پس‌اندازها از منابع متنوع و هدایت آنها به سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و مولد و نه صرفاً درآمدزا، ضمن روان ساختن مبادلات کالاها و خدمات باعث کاهش ریسک هزینه‌های تأمین سرمایه از دو مجرای تراکم سرمایه و نوآوریهای فنی خواهند شد و در نتیجه، آثار درخورتوجهی بر ایجاد فرصتهای جدید شغلی و افزایش ظرفیتهای درآمدی جامعه خواهند گذاشت.

از طرف دیگر، عملکرد گذشته بنگاههای مالی نشان می‌دهد که مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی مورد توجه بوده‌اند، زیرا بازارهای مالی روستایی دارای درآمد پایین و به تبع آن، فقر گسترده‌اند. از این رو امروزه در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، که جمعیتی فقیر وروستایی دارند، به مسئله‌اعتبارات خرد و نهادهای مالی خرد، به عنوان مناسبترین روش کاهش فقر در روستاها، توجه خاصی می‌شود.

ضرورت ایجاد بانک و مؤسسات مالی خرد روستایی

از آنجا که تشکیلات و سازمانهای غیررسمی و محلی سرمایه زیادی برای اعطای وام در اختیار ندارند، پس نمی‌توانند نسبت به تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های پرهزینه‌اقدام کنند و همیشه پرداخت وام خود را به متقاضیان محلی و به تعداد کمی از وامگیرندگان محدود می‌کنند. این امر ریسک ناشی از بازپرداخت وام مشتریانی را که به علت به وجود آمدن حوادث دچار مشکل می‌شوند، می‌افزاید. با این حال، وامدهندگان غیر رسمی برای به حساب آوردن این ریسک مجبورند نرخهای بالایی برای وامهای ضروری در نظر بگیرند و این مسئله باعث می‌شود وامگیرندگان در دام فقر گرفتار شوند.

در مناطق کشاورزی حوادث ناگهانی همچون سیل یا خشکسالی هم وامدهنده و هم وامگیرنده را متحمل خسارت می‌کند و گرفتن اعتبار را با سختی مواجه می‌سازد. بنابراین مردم روستایی و فقرا همیشه به سازمانهای اعتباری غیررسمی نیاز خواهند داشت، اما این برای آنها کافی نیست . در نتیجه روستاییان برای رفع نیازهای خود به ترکیبی از دو نظام اعطای وام و پس انداز نیاز دارند.

www.SID.ir

Archive of SID

این گونه مؤسسات جایگزینی برای وثیقه پیدا کرده‌اند که به مردم در پس انداز کردن کمک می‌کند و در نتیجه، مردم تنگدست می‌توانند اعتماد به نفس کافی برای وام گرفتن پیدا کنند و مهمتر از آن هیچ گونه واهمه‌ای برای باز پرداخت آن نداشته باشند. چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، شرط وثیقه‌گذاری برای دریافت کنندگان وام یکی از مهمترین موانع اعطای اعتبار به مشتریان تلقی می‌شود و از آنجا که تمرکز ثروت در میان روستاییان کمتر است ، این موضوع شدت بیشتری می‌یابد. مؤسساتی نظیر گرامین بانک با یافتن راهکارهایی نظیر اعطای وام به صورت گروهی تا حد زیادی این مانع را بر طرف ساخته‌اند.

شیوه های اجرایی بانکداری فقرا در گرامین بانک

گرامین بانک (GB) شیوه بانکداری سنتی را با از میان بردن نیاز به وثیقه، دگرگون کرده و نظام بانکداری مبتنی بر اعتماد و اطمینان دو طرفه‌ای بنا نهاده که پاسخگویی و مشارکت و خلاقیت ایجاد نموده است . این مؤسسه تسهیلات اعتباری را بدون دریافت وثیقه برای فقیرترین فقرا در روستاهای بنگلادش تأمین کرده است. در گرامین بانک تسهیلات اعتباری سلاحی اقتصادی در برابر فقر و عاملی تسریع‌کننده در توسعه همه‌جانبه شرایط اقتصادی اجتماعی افراد نیازمندی است که از حیطه اختیارات بانکداری دور نگه داشته شده‌اند. گزارشها نشان می‌دهد[1] این بانک تا سپتامبر ۲۰۰۲ به دو میلیون و چهار صد هزار نفر وام پرداخت کرده است که ۹۵ درصد این تعداد را زنان تشکیل می‌دهند. این مسئله آثار مثبتی در سطح زندگی اقتصادی زنان داشته است.

مروری بر تجربه‌سایر کشورها

ازاواخر دهه ۱۹۸۰ نهادهای مالی خرد به عنوان یکی از راهکارهای مناسب و مؤثر جهت توسعه مالی، در برنامه‌های توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه از جایگاهی ویژه‌ای برخوردار شدند و

۱.فرهنگ آشتی، ۵ مهرماه ۱۳۸۲، شماره ۱۶۶.

www.SID.ir

Archive of SID

تعداد این نهادها به شدت افزایش یافت. این برنامه‌ها به دلیل ایجاد تسهیلات و خدمات مالی مناسب برای گروههای فقیر جامعه، امکان توزیع مجدد درآمدها و افزایش خود اشتغالی و به تبع آن افزایش تولید و درآمد و کاهش بیکاری را فراهم کردند(Central Bureau of Statistics, 1996). در زیر به تجربه برخی از کشورها در این باره خواهیم پرداخت:

۱. تجربه بنگلادش به عنوان کشوری پیشرو[۱]

بنگلادش را می‌توان خاستگاه تأمین مالی خرد دانست. فراهم‌کنندگان منابع مالی و مؤسسات تأمین مالی خرد بنگلادش از اینکه در اعطای ترکیبات مالی متنوع به فقرا در دنیا زبانزد همگانند، به خود می‌بالند. موفقیت گرامین بانک و وجود تعداد زیادی سازمان غیردولتی، که بعد از استقلال این کشور در سال ۱۹۷۱ شکل گرفتند، و تأکید سازمانهای غیردولتی بر وابستگی کمتر به منابع اهدایی در این موفقیت سهم مهمی داشته‌اند. برای ارزیابی میزان عملکرد و کیفیت خدمات رسانی مالی مؤسسات تأمین مالی‌خرددربنگلادش به نمونه‌هایی از آنها به شرح زیراشاره‌می‌شود:

-گرامین بانک(GB)

-کمیته توسعه روستایی بنگلادش (BRAC)

-پروژه توسعه روستایی ۱۲ (RDP-12)

-سازمان نوسازی بنگلادش (BURO-Tangail)

-بنیاد شاکتی (Shakti Foundation)

-خدمات روستایی رانجپور دنیاجپور (RDRS)

-طرح توسعه سیستمهای کشاورزی حاشیه‌ای وخرد (MSFSCIP)

در همه برنامه‌ها و خصوصاً برنامه‌های گرامین بانک، مشتریان به گروههایی حداقل ۱۰ نفره سازماندهی می‌شوند که معمولاً اعضای گروهها بر حسب معیارهایی مانند همگن بودن از نظر وضعیت اقتصادی، داشتن سلامت فیزیکی و سرپناه و قرار داشتن در محدوده سنی معین (نه خیلی پیر،

۱. این بخش برگرفته از منابع ۵ و ۹ و ۱۰ است.

www.SID.ir

Archive of SID

نه خیلی جوان) انتخاب می‌شوند. معمولاً تمامی گروهها در همه برنامه‌ها انتخابات رسمی دارند که این عمل منافع همه اعضا را تأمین می‌کند. اعضای این مؤسسات را افراد فقیر و نیازمند تشکیل می‌دهند، به طوری که طبق آمار، تنها ۱۰ درصد اعضا را افراد غیرفقیر (متوسط یا ثروتمند) در برمی‌گیرند.

یکی از خدمات ویژه این مؤسسات پرداخت وامهای اندک به زنان فقیر است که بازپرداخت آن به صورت قسطهای هفتگی در طول بیش از یک سال است.

به طور کلی، مقدار وامهای اهدایی نهادهای خرد مالی بسیار کم است. به عنوان نمونه برخی مؤسسات اعتباری وام بیشتر از ۱۷۵ دلار نمی‌پردازند و بازپرداخت این وام به صورت هفتگی و در توان درآمدی اغلب وامگیرندگان است.

هدف اصلی این مؤسسات بهبود شرایط فقرای روستایی از راه فراهم کردن دسترسی آنها به اعتبارات، پس‌اندازها، تسهیلات و برخی برنامه‌های اجتماعی غیرمالی است. تمرکز اصلی این مؤسسات و خصوصاً گرامین بانک روی پایینترین طبقات اجتماعی است و به دلیل درآمد پایین مشتریان و دسترسی نداشتن به وثیقه سنتی، وامدهی تنها از طریق تشکیل گروههایی با تعهد مشترک، که ملزم به پس‌انداز اجباری‌اند، صورت می‌گیرد. پرداختها متکی بر سازوکار گروهی است تا شعب نسبت به بازپرداخت اعتبار خود اطمینان کنند.

گرامین بانک نرخ بهره نسبتاً بالایی روی حجم پرتفوی وامهایش (۲۰ درصد وبیشتر) اعمال می‌کند تا از این طریق وابستگی به یارانه‌اش کمتر شود. ارزیابی کفایت نرخ بهره وامدهی معمولاً روش مؤثری برای کاهش وابستگی به یارانه برای یک مؤسسه مالی روستایی (خرد) است. چنین افزایشی (وقتی تقاضای وام را کم نکند یا تأثیر معکوسی روی وصول نداشته باشد) معمولاً ناشی از گسترش دامنه فعالیت بهتر است؛ زیرا منابع کمیاب در اختیار گروه وسیعتری از مشتریان خواهد بود.

به هر حال توانایی این بانک برای غلبه برمحدودیتهای مالی از راه تکمیل و اجرای سیاستهای ابداعی و روشهای عملیاتی، درسهای فوق‌العاده گرانبهایی برای طراحی پروژه‌های مالی روستایی آینده در بردارد. اصول راهنما را می‌توان از عملیات گرامین بانک و سایر مؤسسات همانند استنباط

www.SID.ir

Archive of SID

کرد ولی باید در به کارگیری عین عملیات آنها در کشورهای دیگر مواظب بود؛ چرا که راه حل مناسب در یک محیط اقتصادی، اجتماعی ضرورتاً در محیط دیگر مناسب نخواهد بود. همچنین سطوح درآمدی وفعالیتهای درآمدزای مشتریان هدف تا اندازه زیادی مؤثر بودن روشهای عملیاتی خاص را تعیین می‌کند. مهمترین ویژگیهای گرامین بانک عبارتند از:

۱.افزایش تجهیز پس‌اندازها وکاهش اتکا به منابع کمک‌دهنده

۲. دادن وام با نرخهای بهره حقیقی

۳.ابداع شبکه‌های توزیع کم‌هزینه

۴.استقلال مدیریتی در تدوین سیاستهای عملیاتی

۵.نظارت دقیق بر مصرف وام و نرخهای بازپرداخت

۶.ایجاد پس‌اندازهای روستایی خویش‌فرما

۷.داشتن هزینه‌های اداری به نسبت پایین و غیرفزاینده

۸.توسعه بخشیدن به خدمات مالی در مناطق محروم و ...

۲. تجربه مالزی

مالزی یکی از کشورهای جنوب شرق آسیاست که به آن معجزه آسیایی[1] نیز می‌گویند. در این کشور تا پیش از اجرای برنامه‌های فقرزدایی، فقر در مناطق روستایی گسترده‌تر از مناطق شهری بود، اما در نتیجه اجرای برنامه‌های جدید اقتصادی در این کشور طی سالهای ۱۹۸۵-۹۵، میزان جمعیت فقیر از ۴۵ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافت. این مهم تا حدی به عملکرد سازمانهای تأمین مالی خرد مربوط بوده است. برخی از سازمانهای غیر دولتی تأمین مالی خرد مالزی عبارتند از:

-AIM [2]: به عنوان طرحی در شمال غربی ایالت سلانگور[3] جهت آزمون اثربخشی رویکرد گرامین بانک در کاهش فقر مناطق روستایی مالزی آغاز به کار کرد.

-YUM [1]در سال ۱۹۹۸ به تقلید از روش گرامین بانک در منطقه صباح از طریق برنامه یوساهاماجو[2] ایجاد گردید.

1. Asian miracle
2. Amanad Inkhtiar Malaysia
3. Selangor

www.SID.ir

Archive of SID

KKR-[3]: یا اتحادیه‌های اعتباری، یکی دیگر از منابع تأمین مالی خرد در این کشور است. یکی از این اتحادیه‌های اعتباری،انجمن تعاونی اعتباری مردم[4] است، KKR در ابتدا به عنوان باشگاه اجتماعی جوانان آغاز به کار کرد و سپس در سال ۱۹۷۵ به عنوان یک تعاونی اعتباری به ثبت رسید.

طرح AIM بزرگترین مؤسسه تأمین مالی خرد با هدف فقرزدایی در مالزی است، به طوری که تقریباً در سال ۱۹۹۵ حدود ۵۰ درصد افراد نیازمند، مشتری AIM بودند. تا پایان دسامبر ۱۹۹۵، AIM بزرگترین پرتفوی داراییها را همراه با وامهای معوقه‌ای به میزان ۹/۳ میلیون دلار در اختیار داشت. مقدار متوسط وام AIM در سال ۱۹۹۵ (۲۳۵ دلار به ازای هر مشتری) بسیار بیشتر از YUM و KKR بود. دو عامل مهم در گسترش اعطای ترکیبات مالی به فقرا توسط AIM عبارت است از:

۱.حمایتهای چشمگیر و تأمین مالی دولت

۲.استفاده از راهنماییهای کاربردی گرامین بانک بنگلادش.

نظام ارائه اعتبار AIM و YUM از گرامین بانک اخذ شده است. در این نظام مشتریان به گروههای کوچک ۵ نفره تقسیم می‌شوند وهر گروه یک مرکز را تشکیل می‌دهد. این مرکز هفته‌ای یک بار جلسه برگزار می‌کند که در آن وامهای پیشنهادی، نحوه هزینه کردن آنها، نظارت بر وامگیرندگان و مسائل خرد و رفاه عمومی اعضا بررسی می‌شود. اولین وام به دو نفر از اعضای گروه تعلق می‌گیرد و ۲ نفر بعدی وامهای خود را پس از بازپرداخت کامل هفتگی دو وامگیرنده اولی (۸ هفته)، دریافت خواهند کرد. رئیس گروه نیز هشت هفته پس از بازپرداخت کامل وام توسط دونفر بعدی گروه،وام‌خودرادریافت‌می‌کند.وامهابدون‌هیچ وثیقه، ضامن و بهره و پیگرد قانونی اعطا می‌شود.

بررسیهانشان‌می‌دهدکه‌اکثرمؤسسات‌مالی‌خردمالزی‌خودکفانیستند(Bank Negare Malaysia)، یعنی درآمدهای بهره‌ای و کارمزد وامها، بسیار کمتر از کل هزینه‌های آنهاست. به دلیل عقاید مسلمانان، مؤسسه AIM هیچ بهره‌ای برای وامهایش مطالبه نمی‌کند، اما کارمزدی از پیش تعیین شده، معادل ۱۰ دلار، از وامهای یک دوره‌ای و معادل ۲۰ دلار از وامهای دو دوره‌ای و ... مطالبه می‌کند.

1. Yayasan Usha maju
2. Usaha maju
3. Kooperasi Kredit Rakyat
4 . People's Credit Co-Operative Society

www.SID.ir

Archive of SID

مؤسسات AIM و YUM به وجوه اهدایی از سوی اهدا کنندگان و دولت وابستگی زیادی دارند و به همین این دلیل است که این مؤسسات به خودکفایی مالی نرسیده‌اند. از آنجا که این دو مؤسسه هیچ بهره‌ای به پس‌اندازهای اعضای خود نمی‌پردازند، نمی توانند از این وجوه برای وامدهی استفاده کنند و لذا معمولاً پس‌اندازهای اعضا را در حساب سپرده‌گذاری بانکهای تجاری قرار می‌دهند، هر چند میزان بهره دریافتی از این بانکها به هیچ وجه برای پوشاندن هزینه‌های خدمات مالی آنها کافی نیست.

۳. تجربه هندوستان: تأمین مالی بر مبنای سازماندهی گروههای خودیار[1]

تا دهه ۱۹۹۰، یعنی شروع برنامه‌های اصلاحات مالی، اعتباردهی به فقرا در هندوستان به صورت برنامه دولتی نیازمند یارانه فراوان رایج بوده است. این دیدگاه (دولتی بودن اعتباردهی) در میان بسیاری از سیاستمداران دولتی و بانکداران وجود داشت، ولی مقرراتزدایی نظام مالی توانست چشم‌انداز نظام مالی را به تدریج تغییر دهد. به عنوان نمونه در نتیجه آزادسازی نرخهای بهره، تعداد زیادی از بانکهای تجاری با حمایت مؤسسه ملی نبرد[2] (بانک ملی توسعه کشاورزی و روستایی) پیوندهایی را با گروههای غیر رسمی خودیاری فقرا (SHGها) به منظور تجهیز سپرده‌های فقرا و اعطای اعتبارات به آنها با نرخهای مناسب بهره ایجاد کردند. اصلاحات مالی، بخشی از مجموعه سیاستهای تعدیل ساختاری بود که توسط دولت هندوستان در سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ با هدف شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی کشور و رفع شرایط نامساعد زندگی تعداد بسیاری از مردم (برنامه‌های فقرزدایی) به گونه‌ای آغاز شد که طی سالهای گذشته دولت یارانه‌های اعتباری را به عنوان هسته اصلی فعالیتهای خود در برنامه‌های فقرزدایی به کار گرفته است. یکی از بزرگترین برنامه‌های فقرزدایی در جهان طرح برنامه توسعه یکپارچه روستایی(IRDP)[3] در هندوستان بوده که بیش از ۴۵ میلیون نفر را تحت پوشش قرار داده است. دو برنامه حمایتی IRDP به منظور افزایش ظرفیتهای

1. Self-Help Groups
2. NABARD(National Bank for Agricultural and Rural and Development)
3. Integrated Rural Development Program

www.SID.ir

Archive of SID

درآمدی وامگیرندان عبارت است از: الف) برنامه آموزش جوانان روستایی برای خوداشتغالی (TRYSEM)[1] و ب) برنامه بهبود وضعیت زنان و کودکان در مناطق روستایی(DWCRA)[2].

تجربه کشور هندوستان نشان می‌دهد که تشکیل مؤسسات تأمین مالی بر اساس شیوه‌های خودیار، نقش مهمی در کاهش هزینه‌های عملیاتی، درجه پایداری و خودکفایی مؤسسات مالی خرد دارد. از جمله دلایل این امر جذب بیشتر پس‌اندازها توسط این مؤسسات است.گروههای خودیار به مؤسسات مالی خرداین امکان را می‌دهند که امدادرسانی نیز در سطح وسیعتری صورت‌گیرد.

٤. تجربه نپال

نپال جزو فقیرترین کشورهای دنیاست. شاخص توسعه انسانی آن ۰/۳۳۲ می‌باشد که در میان ۱۷۴ کشور دنیا رتبه ۱۵۱ را دارد. شکست مؤسسات تأمین مالی خرد (دولتی) در این کشور در نفوذ به دهکده‌های پراکنده، فضای بسیار مناسبی را جهت رشد و شکوفایی مؤسسات غیر رسمی ایجاد کرده است. هم اکنون گروههای متمرکز پس‌اندازها و اعتبارات محلی[3] در مناطق روستایی فعالند. به طوری که به نظر می‌رسد امدادرسانی این گروهها، که هیچ آماری در مورد آن در دسترس نیست، نسبت به نظام رسمی گسترده‌تر باشد. از جمله مهمترین برنامه‌های فقرزدایی نپال عبارت است از:

-برنامه توسعه و بهبود وضعیت کشاورزان خرد[4] (SFDP)

- برنامه بانکداری متمرکز (IBP)[5]با ۸۵ هزار نفر وامگیرنده

-اعتبارات تولیدی برای زنان روستایی (PCRW) [6]

1. Training of Rural Youth for self Employment
2. Development of Women and Children in Rural Areas

۱.گروههایی که ریاست آنها به صورت دوره‌ای از بین اعضا انتخاب نمی‌شوند.

4. Small Farmer Development Program
5. Intensive Banking Program
6. Production Credit for Rural Women

www.SID.ir

Archive of SID

از نظر خودکفایی، اکثر مؤسسات تأمین مالی خرد در این کشور خودکفا نیستند. متوسط نرخ وامدهی این مؤسسات کمتر از ۱۸ درصد است؛ یعنی کمتر از نرخ بهره گرامین بانک. از جمله بزرگترین مشکلات این مؤسسات در نپال به قرار زیر است:

-مقررات بانک مرکزی نپال که تفاوت میان نرخهای بهره سپرده و وام را به ۶ درصد محدود می‌کند (به جز بانکهای توسعه‌ای با سبک گرامین بانک و سازمانهای غیر دولتی).

-رواج اعتبارات یارانه‌ای، به طوری که بانکهای تجاری مکلفند ۱۲ درصد پرتفوی وام خود را به بخشهای دارای اولویت در کشاورزی و صنعت، خانه‌سازی روستایی و خدمات اختصاص دهند.

۵. تجربه کانادا

داده‌های جمع‌آوری شده از دو مؤسسه کوچک مالی (MFIs) کانادا، یکی در تورنتو و دیگری در هالیفکس که اطلاعات وسیعی در مورد وامهای شخصی و گروهی درباره وضعیت خانوادگی افراد، وضعیت شخصی، کاری و چگونگی بازپرداخت دارند، نشان می‌دهد طی دوره۱۹۹۴- ۹۹ از ۱۳۸۹ وامگیرنده از این دو مؤسسه، ۹۹۵ مورد به صورت گروهی و ۳۹۴ مورد به صورت انفرادی بوده است. همچنین براساس این اطلاعات، ۲۱/۲ درصد از وامگیرندگان گروهی و ۴۱/۴ درصد از وامگیرندگان فردی بازپرداخت وام خود را به موقع انجام نداده‌اند. وامهای گروهی از ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ دلار و وامهای انفرادی از ۱۰۰۰ دلار تا ۱۵۰۰۰ دلار بوده و زمان بازپرداخت وامهای گروهی ۶ تا ۲۴ ماه و وامهای انفرادی حداکثر ۶۰ ماه بوده است(Gomez & Santor ,2003).

در ضمن نرخ سود وامها ۱۲ درصد بوده و وامهای گروهی عمدتاً به سرمایه در گردش و وامهای انفرادی به سرمایه در گردش و سرمایه ثابت یا سرمایه اولیه اختصاص داشته است.

البته تفاوتهایی بین وامهای گروهی و وامهای فردی وجود دارد از جمله اینکه اکثر وامهای گروهی مربوط به زنان است، درصد مجرد بودن در وامگیرندگان گروهی نسبت به وامگیرندگان انفرادی بیشتر است، اکثر وامگیرندگان گروهی اسپانیایی‌اند در صورتی که وامگیرندگان انفرادی مرد

www.SID.ir

Archive of SID

و متولد کانادا می‌باشند، وامگیرندگان گروهی دارای تحصیلات بالایی نسبت به وامگیرندگان انفرادی‌اند، وامگیرندگان گروهی درآمد و دارایی کمتری نسبت به انفرادیها دارند.

٦. مقایسه عملکرد مؤسسات اعتباری خصوصی در بانکهای روستایی و گروههای خودیار

همان طور که اشاره شد، عملکرد مؤسسات مالی خرد در مالزی و نپال بسیار ضعیفتر از عملکرد این مؤسسات در بنگلادش است. مالزی باید از تجربه سایر کشورها، مانند هندوستان در مورد گروههای خودیار و بنگلادش در زمینه نوآوریهای بازار سرمایه و دسترسی به وجوه وامهای تجاری، استفاده کند. برای مثال در هندوستان یکی از روشهای عملی تجهیز پس‌اندازها، تشویق خانوارهای فقیر به تشکیل گروههای خودیار است. همچنین تجربه این کشور نشان داده است که گروههای خودیار برای مؤسسات تأمین مالی خرد این امکان را فراهم می‌کنند که امدادرسانی و کارایی و ثبات خود را افزایش دهند. آن دسته از مؤسسات تأمین مالی خرد که متکی به گروههای خودیارند، هزینه‌های عملیاتی پایینتری نسبت به سایران دارند. مزیت دیگر گروههای خودیار تأمین منابع داخلی از طریق تجهیز پس‌اندازهاست. لذا مؤسسات تأمین مالی خرد در هر کشور یک ویژگی خاص دارند. برای مثال رمز موفقیت این مؤسسات در کشور هند تشکیل گروههای خودیار و در بنگلادش پرداخت وامهای اندک با اقساط ناچیز بدون در نظر گرفتن چگونگی مصرف وام است.

جدول ۱ توانمندی تجهیز پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری مولد را میان بانک روستایی بخش دولتی و وامدهندگان خصوصی نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، بانکهای روستایی در تجهیز پس‌اندازها خوب عمل می‌کنند، ولی وامدهندگان خصوصی این توانایی را ندارند. عکس این موضوع در مورد سرمایه‌گذاری صادق است. به عنوان مثال مستطیل I موقعیتی را نشان می‌دهد که در آن هم تجهیز پس‌اندازها و هم تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط بانک روستایی صورت می‌گیرد. این حالت موجب افزایش پس‌اندازها می‌شود ولی کیفیت ضعیف سرمایه‌گذاری را دنبال دارد.

جدول ۱. مقایسه توانمندی سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بانکها و وامدهندگان خصوصی

پس‌انداز	بانک روستایی	وامدهندگان خصوصی

www.SID.ir

Archive of SID

سرمایه‌گذاری		
بانک روستایی	I - پس‌انداز بالا -کیفیت سرمایه‌گذاری ضعیف	II - پس‌انداز ضعیف - کیفیت سرمایه‌گذاری ضعیف
وامدهندگان خصوصی	III - پس انداز بالا - کیفیت سرمایه‌گذاری بالا	IV - پس‌انداز ضعیف - کیفیت سرمایه‌گذاری بالا

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در مستطیل II میزان تجهیز پس‌اندازها توسط وامدهندگان خصوصی و تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط بانک روستایی در بدترین حالت ممکن قرار دارد، زیرا وامدهندگان خصوصی در تجهیز پس‌اندازها و بانکها در پرداخت وام کارایی لازم را ندارند.اما مستطیل III بهترین حالت ممکن است، زیرا در این حالت بانکها پس‌اندازها را تجهیز می‌کنند و وامدهی به منظور سرمایه‌گذاری توسط وامدهندگان خصوصی صورت می‌گیرد. طبق این روش که در اندونزی معمول است، وامدهندگان خصوصی نرخ بهره بالاتری نسبت به نرخ بهره بانک مطالبه می‌کنند،درحالی‌که‌ریسک وصول شدن وامهاراخودشان تقبل‌می‌نمایند(Moseley & Hulme,1996) .

در مستطیل IV وامدهندگان خصوصی هم پس‌اندازها را تجهیز می‌کنند و هم تصمیم به سرمایه‌گذاری می‌گیرند. این حالت موجب ایجاد نرخ پایین پس‌اندازها و کارایی بالای سرمایه‌گذاری می‌شود. بخشی از بازار اعتباری روستایی هند در مستطیل I و بخشی دیگر در مستطیل IV قرار می‌گیرد. حرکت مطلوب و بهینه، حرکت به سمت مستطیل III است؛ همانند بانکهایی که با تعهد مشترک بازپرداخت، کار وامدهی را به گروههای خودیار واگذار می‌کنند.

شواهد نشان می‌دهد که با ظهور مؤسسات تأمین مالی خرد هم پس‌اندازها و هم سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. این مؤسسات با تجهیز پس‌اندازها و پرداخت آنها به صورت اعتبارات به مردم میزان سرمایه‌گذاری مناطق روستایی را می‌افزایند. راه حل مشکل محدودیتهای اعتباری در روستاها، نوآوری در طراحی نهادها و مؤسسات به جای افزایش منابع است؛ زیرا مشکل در نحوه اعتبارات است و نه در حجم پس‌اندازها.

جدول ۲ یک نوآوری سیاستی است، زیرا گروههای خودیار جایگزین وامدهندگان خصوصی، شده است. در اینجا با پس‌اندازهای بیشتر و سرمایه‌گذاری کاراتر، حرکت بهینه به سمت

www.SID.ir

Archive of SID

مستطیل III می‌باشد. به این معنی که پس‌اندازها را بانکها تجهیز می‌کنند، ولی تصمیمات سرمایه‌گذاری را گروههای خودیار می‌گیرند. این حالت، پس‌اندازها و کیفیت سرمایه‌گذاری را می‌افزاید. محدودیت اصلی در فعالیتهای اقتصادی روستایی، محدودیت اعتباری است. این محدودیت موجب ظهور مؤسسات تأمین مالی خرد می‌شود. بانکهای روستایی بخش دولتی، حجم عظیمی از پس‌اندازها را تجهیز می‌کنند، ولی به دلیل نرخهای پایین بهره و درصد بالای عدم بازپرداخت وامها، به همان میزان از توان وام دهی آنها کاسته می‌شود. در حالی که مؤسسات تأمین مالی خرد با تکیه بر گروههای خودیار، مشکل عدم بازپرداخت‌ها را حل می‌کنند.

جدول ۲. مقایسه توانمندی سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بانکها و گروههای خودیار

پس‌انداز / سرمایه‌گذاری	بانک روستایی	گروههای خودیار
بانک روستایی	I پس‌اندازبالا؛کیفیت‌سرمایه‌گذاری ضعیف	II پس‌اندازبالا؛کیفیت‌سرمایه‌گذاری ضعیف
گروههای خودیار	III - پس انداز بالا -کیفیت سرمایه‌گذاری بالا	IV - پس‌انداز بالا -کیفیت سرمایه‌گذاری بالا

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ارزیابی عملکرد اعتبارات خرد در بخش روستایی ایران

ساماندهی نهادهای مالی و اعتباری در جهت هدفهای توسعه درونزای روستایی از ضرورتهای برنامه‌های توسعه در کشور به شمار می‌آید. اما جالب توجه‌است که‌ایجاد مؤسسات اعتباری و مالی در مناطق روستایی آنچنان که در شهرها رایج است، توجیه‌اقتصادی و بازده مناسب ندارد و از آن استقبال نمی‌شود.

توسعه و عمران روستاها و کاهش نابرابریهای موجود بین شهر و روستا از هدفهای مهم انقلاب اسلامی بوده است، اما تحول بایسته‌ای در این بخش ایجاد نشده و ساختار اقتصادی روستاها هنوز به صورت معیشتی، یا حداکثر اقتصاد معیشتی ـ مبادلاتی باقی مانده که دارای فاصله زیادی با اقتصاد بازار و تولید انبوه است. در این باره توجه به عامل سرمایه که جزء جدایی ناپذیر اقتصاد بازار است، اهمیت بسیار زیادی دارد. بازارهای سلف روستاییان ، که عمدتاً به دو دلیل یعنی دسترسی به سرمایه مورد نیاز و جاری و همچنین تثبیت درآمد فعلی و فصلی روستاییان تشکیل می‌شود، نمونه‌ای

www.SID.ir

Archive of SID

از این اهمیت و حرکت به سمت ایجاد بازارهای مالی و اعتباری است. در کنار این بازار، بازار غیررسمی نیز (نزول‌خواران)، که تقریباً در همه روستاهای ایران وجود دارد، اهمیت موضوع سرمایه را آشکار می‌سازد. تعدادی از نهادهای مالی و اعتباری مانند صندوقهای قرض‌الحسنه و شرکتهای اعتباری کوچک نیز که وارد این عرصه شده‌اند، به دلیل ناهماهنگی با بازار تولید روستایی فاقد کارایی لازمند(اندبیلی و رحیمی، ۱۳۷۹). از سوی دیگر، طرحهای توسعه و عمران با ماهیت اقتصادی (که‌از طریق مطالعات گوناگون وجود آنها را در تحقق هدفهای توسعه روستایی ضروری تشخیص داده‌اند)به‌دلیل‌ضعف‌بنیه‌مالی‌وشکلگیری‌نامناسب‌بازار سرمایه، عقیم می‌مانند و فرصت ظهور نمی‌یابند.

بررسی ساختار نظام مالی روستایی در کشور نشان می‌دهد که این نظام متشکل از مؤسسات ارائه دهنده خدمات اعتباری خرد در قالب دو بخش رسمی و غیر رسمی است. بررسی عملکرد کلان این نهادها در نظام مالی روستایی حاکی از وجود وضعیتی نامناسب در توزیع اعتبارات منابع مالی از یک طرف و ناکارایی لازم در تجهیز منابع خرد از طرف دیگر است.

براین اساس می‌توان مهمترین تنگناها و محدویتهای دسترسی روستاییان به‌اعتبارات مورد نیاز را به صورت زیر خلاصه کرد (طالب، ۱۳۷۲؛ وزارت جهادکشاورزی، ۱۳۷۶)

۱. ناکافی بودن حجم اعتبارات و محدودیت بازار عرضه وام و اعتبارات؛ ۲. تشریفات دست و پاگیر و طولانی بودن فرایند اخذ وام بویژه‌از منابع رسمی و بانکی؛ ۳. زمانبندی نامناسب بازپرداخت وام ؛ ۴. ضرورت ارائه وثیقه‌های سنگین برای گرفتن وام از منابع رسمی و غیر رسمی؛ ۵. نامناسب بودن نهادهای‌وامدهنده روستایی و محدودیت دامنه عملکرد آنها؛ ۶ . کم‌سوادی و بی‌سوادی وامگیرندگان روستایی و در نتیجه ناآگاهی این افراد از شرایط دریافت و بازپرداخت وام و غیره.

نارساییهای ساختاری بازارهای مالی روستایی ایران

مهمترین نارساییهای بازارهای مالی روستایی ایران را می‌توان در زمینه مدیریتی و چارچوبهای حقوقی و مقرراتی بازارهای مالی روستایی و همچنین فضای سیاستگذاری جستجو کرد.

www.SID.ir

Archive of SID

بعضی‌از مشکلات واسطه گری مالی که ناشی‌از برخی ویژگیهای روستاییان است، عبارتند از:

ـ پایین بودن تراکم جمعیت، کوچک بودن وامها، محدودیت پس‌اندازهای خانوار که همگی باعث افزایش هزینه معاملات می‌شود.

ـ بیشتر مشتریان روستایی فاقد وثیقه مورد نیاز بانکهای تجاری هستند.

ـ ارتباط ضعیف با سایر بازارها باعث به وجود آمدن تعداد زیادی بازارهای انفرادی شده‌است که این امر موانع اطلاعاتی را به وجود می‌آورد و تنوع‌گرایی ریسک را محدود می‌کند.

ـ فصلی بودن چرخهٔ تجاری کشاورزی روستایی و شوکهای درآمدی و قیمتی تولید به ریسکهای واسطه‌گری مالی روستایی اضافه شده است.

نارساییهای قانونی و مقرراتی، در بسیاری از موارد، نهادهای بخش رسمی را از رسانیدن اعتباربه کشاورزان و پیشه‌وران روستایی باز می‌دارد.

بسیاری از این مشکلات قانونی و مقرراتی دشواریهای منطقه‌ای اعتبار روستایی را شدت می‌بخشد. یکی از این مشکلات قانونی، عدم دسترسی روستاییان به وثیقه کافی است. بنابراین، بانکهای تجاری بیشتر اوقات از خدمت رسانی به مناطق روستایی خودداری می‌کنند. در نتیجه، تنها خدمات مالی قابل‌دسترس، خدمات مالی بخش غیررسمی است که آن هم دامنه محدودی دارد. بنابراین، بازارهای مالی روستایی به محیط مناسبی برای توسعه نیازمندند. این محیط مناسب مستلزم شرایط مناسب اقتصاد کلان ، اصلاح سیاستهای مغایر با توسعهٔ بخش کشاورزی و بخش روستایی و تشکیل بازارهای مالی جامع و کارمد است.

مؤسسات مالی روستایی به دلیل سیاستهای ناکارامد، تنها به بخش کوچکی از بازار هدف دست‌یافته‌اند. ثروتمندان و کسانی که ارتباطات سیاسی دارند، بهره‌برداران اصلی بیشتر برنامه‌های اعتباری اند. نرخهای بهره یارانه‌ای، رانت‌جویی را تشویق می‌کند و در نتیجه، مزایای سرمایه‌های ارزان به ندرت به مشتریان فقیر می‌رسد. مدیریت ضعیف نشاندهنده ناتوانی بیشتر مؤسسات مالی روستایی در جلوگیری از رفتار رانت‌جویانه‌است. علت اساسی این مشکلات به هم مرتبط است و راه

www.SID.ir

Archive of SID

حل جامعی را می‌طلبد تا به گونه‌ای بتوان موضوعات نهادی، بخشی، اقتصاد خرد و اقتصاد کلان را به حساب آورد.

با مطرح شدن مباحث بالا مشخص می‌شود که نهادهای تأمین مالی روستایی در ایران با سایر نهادهای تأمین مالی در جهان تفاوتهای اساسی دارد. ضمناً خلأ نهادهای تأمین مالی در روستاهای ایران کاملاً نمایان است. اما سؤال اساسی این است که نهادهای موجود در روستاهای ایران چه تفاوت عملکردی با سایر نهادهای مشابه در کشورهای دیگر (مانند گرامین بانک بنگلادش) دارد.

برای این منظور در مقاله حاضر عملکرد صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی، به عنوان نمایندهٔ نهاد تأمین مالی روستایی و الگوی انطباق‌پذیر با نهادهای تأمین مالی خرد در مناطق روستایی، با گرامین بانک بنگلادش بر اساس سه شاخص نفوذپذیری، خودکفایی مالی و نسبتهای مالی و اقتصادی مقایسه شده است.

۱. مقایسه شاخص نفوذپذیری

منظور از نفوذپذیری یا گستردگی، نسبت تعداد وامهای اعطایی به جمعیت موجود در ناحیه (شهری یا روستایی) است. همان گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، درصد نفوذ اعتبارات خرد در بنگلادش در مقایسه با صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی بسیار بیشتر است و این موضوع حاکی از عمق امداد رسانی گرامین بانک و گستردگی فعالیتهای این نهاد است. در این باره درصد نفوذپذیری گرامین بانک در سال ۱۹۹۵و صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی ایران درسال ۱۳۷۹ به ترتیب معادل ۴/۹ درصد و ۰/۷۵ درصد بوده است.

جدول۳. مقایسهٔ صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی ایران و گرامین بانک بنگلادش براساس شاخص نفوذ پذیری

شرح	سال	تعداد وام پرداختی	جمعیت روستایی	ضریب نفوذپذیری اعتبارات (درصد)
صندوقهای‌قرض‌الحسنه‌روستایی‌ایران*	۱۳۷۸ شمسی	۲۱۹۲۹۳	۲۲۸۸۸۹۷۰	۰/۹۵

www.SID.ir

Archive of SID

	۱۳۷۹ شمسی	۱۷۰۴۶۹	۲۲۷۹۰۴۴۸	۰/۷۵
گرامین بانک بنگلادش	۱۹۹۵	۳۶۰۰۰۰۰	۷۲۷۷۴۰۰۰	۴/۹
	۲۰۰۴	۴۴۸۰۰۰۰	—	—

مآخذ: محاسبات تحقیق و Iftekhar and Sakhawat , 1996

*براورد مرکز آمار ایران مندرج در سالنامهٔ آماری ۱۳۸۱ کشور

۲. مقایسه شاخص خودکفایی مالی

معیارهای مختلفی برای سنجش میزان خودکفایی مالی مؤسسات اعتباری وجود دارد که از این میان می‌توان به نسبت خودکفایی عملیاتی و نیز نسبت خودکفایی کامل مالی اشاره کرد. اولین نسبت به معنی سهم بهره‌ها و کارمزدهای دریافتی از مشتریان از کل هزینه‌هاست و نسبت دوم سهم بهره‌ها و کارمزدهای دریافتی از مشتریان به هزینه‌های کل تعدیل شده‌است. این نسبتها نشان می‌دهد که مؤسسهٔ مالی مورد نظر تا چه میزان از هزینه‌های خود را می‌تواند از طریق ارائه خدمات خود جبران کند.

با ملاحظه آمار جدول ۴ چنین استنباط می‌شود که متوسط میزان خودکفایی مالی در صندوقهای قرض‌الحسنه ایران از گرامین بانک بنگلادش بیشتر است و این، امتیاز مثبتی برای این صندوقها خواهد بود. اما در این باره باید توجه داشت که اولاً اکثر وامگیران گرامین بانک افراد فقیر و بسیار فقیرند و در مقایسهٔ این نسبتها باید تفاوت مشتریان را لحاظ کرد. ثانیاً نرخ بهرهٔ دریافتی از مشتریان در گرامین بانک در مقایسه با صندوقهای قرض‌الحسنه بسیار بیشتر است. همان‌گونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود نرخ بهرهٔ واقعی وامهای گرامین بانک بسیار بالا بوده و در طول زمان نیز افزایش یافته، در حالی که کارمزد وامهای صندوقهای قرض‌الحسنه بسیار ناچیز و نرخ بهرهٔ واقعی دریافتی آنها اغلب منفی بوده است.

با توجه به این نکات می‌توان دریافت که سهم کمکهای مردمی و نهادها در تأمین وجوه گرامین بانک بسیار بالا بوده‌واین‌بانک توانسته است با استفاده‌ازاین‌کمکها وامهای فراوانی اعطا کند.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ٤. مقایسهٔ صندوقهای قرض‌الحسنه ایران و گرامین بانک بنگلادش براساس درصد خودکفایی عملیاتی

سال	صندوقهای قرض‌الحسنه‌ایران			گرامین بانک بنگلادش
	شهری	روستایی	کل	
۱۳۷۸ شمسی	۷۴/۸	۵۹/۱	۷۱/۳	۶۶/۲
۱۳۷۹ شمسی	۶۴/۲	۸۵/۲	۶۶/۲	۶۳/۲
۲۰۰۳	-	-	-	۶۵/۰
۲۰۰۴	-	-	-	۶۳/۰

مآخذ: محاسبات تحقیق و Contribution of Grameen Bank to Gross Domestic Product of Bangladesh: Preliminary Estimates: by Mohiuddin Alamgir, December 1998.

جدول ٥. متوسط نرخهای بهرهٔ واقعی و اسمی و سالانهٔ گرامین بانک در سالهای۱۹۸۹- ۱۹۹٤

سال	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤
نرخ بهرهٔ اسمی	۱۶/۰	۱۶/۰	۱۸/۰	۲۰/۰	۲۰/۰	۲۰/۰
نرخ تورم در بنگلادش	۹/۹	۸/۱	۷/۲	۴/۳	۰/۰	۳/۶
نرخ بهرهٔ واقعی	۵/۵	۷/۳	۱۰/۱	۱۵/۱	۲۰/۰	۱۵/۹

مأخذ: تأمین مالی روستایی، ترجمهٔ رضا حسینی (۱۳۸۱)

۳. مقایسه دو نهاد براساس نسبتهای مالی و اقتصادی

۳. ۱. نسبت ارزش سپرده‌ها به وامها

این نسبت نشان می‌دهد که مؤسسات مالی معادل چه میزان از وامهای اعطایی در طول سال سپرده جمع‌آوری کرده‌اند. با توجه به حجم بالای وامهای اعطایی گرامین بانک و سهم بالاتر کمکهای دولتی و مردمی در تعیین وجوه این مؤسسه نسبت به صندوقهای قرض‌الحسنه، انتظار بر آن است که میزان این نسبت برای مؤسسات قرض‌الحسنه از گرامین بانک بالاتر باشد که جدول ۶ نیز همین موضوع را تأیید می‌کند.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ٦. مقایسهٔ صندوقهای قرض‌الحسنه و گرامین بانک بنگلادش براساس نسبت ارزش سپرده‌ها به وامها (قبل از کسر وامهای مستهلک شده)

(درصد)

سال	صندوقهای قرض‌الحسنهٔ ایران			گرامین بانک بنگلادش
	شهری	روستایی	کل	
۱۳۷۸(۱۹۹۹)	۷۰/۲	۷۶/۸	۷۱/۲	۴۰
۱۳۷۹(۲۰۰۰)	۸۲/۵	۹۵/۷	۸۳/۵	۴۸

مآخذ: محاسبات تحقیق و Past Five Years of Grameen Bank, (www.grameen.info.org)

۳. ۲. نسبت ارزش افزوده به‌اعتبارات پرداختی

این نسبت نشان می‌دهد که به‌ازای هر واحد پول پرداختی، به عنوان وام، چه میزان ارزش‌افزوده در مؤسسه مالی ایجاد شده است. طبعاً هرچه این نسبت بالاتر باشد، کارایی و توان مالی مؤسسه مذکور بالاتر خواهد بود. مقایسهٔ آمار مندرج در جدولهای ۷ و ۸ نشان از فاصله میان گرامین بانک در تولید ارزش افزوده و صندوقهای قرض‌الحسنه دارد.

جدول ۷. نسبت ارزش افزوده به‌اعتبارات پرداختی در گرامین بانک در فاصله سالهای ۹٦-۱۹۹٤

سال	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦
نسبت ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی	۰/۱۲	۰/۱۵	۰/۲۸

مأخذ:Contribution of Grameen Bank to Gress Domestic product of Bangladesh(1998)

جدول ۸. نسبت ارزش افزوده به ارزش وام اعطایی (قبل از کسر وام مستهلک شده) در صندوقهای قرض‌الحسنه شهری و روستایی در سالهای ۱۳۷۸-۷۹

سال	شهری	روستایی	کل
۱۳۷۸	٪۲۳	٪۱۹	٪۲۲
۱۳۷۹	٪۲۳	٪۳۸	٪۲۴

مأخذ: محاسبات تحقیق

۳. ۳. نسبت ارزش افزوده به تعداد کارکنان

www.SID.ir

Archive of SID

این نسبت نشان می‌دهد که به‌ازای هر واحد نیروی کار به طور متوسط چه میزان ارزش‌افزوده در مؤسسه مالی مورد نظر ایجاد شده‌است. در واقع این نسبت تا حد زیادی مبین میزان بهره‌وری کارکنان است. با توجه به تحلیلهای پیشگفته درباره توانایی گرامین بانک در جذب کمکهای نهادها و سازمانهای دولتی و هدایت منبع این بانک به سوی تقویت بنیهٔ مالی فقیرترین افراد اجتماع به گونه‌ای که ساختار مشارکتی کم نظیر در این زمینه شکل گیرد، می‌توان پیش‌بینی کرد که میزان این نسبت در مقایسه با صندوقهای قرض‌الحسنه بسیار بالاتر باشد(جدول ۹).

جدول۹. مقایسهٔ گرامین بانک و صندوقهای قرض‌الحسنه براساس نسبت ارزش افزوده به تعداد کارکنان

(میلیون ریال)

	سال	شهری	روستایی	کل
صندوقهای قرض‌الحسنه‌ایران	۱۳۷۸ شمسی	۸/۷۶	۳/۵۹	۷/۵۲
	۱۳۷۹شمسی	۱۰/۹۱	۶/۲۲	۱۰/۰۱
گرامین بانک بنگلادش	۱۹۹۴	۱۰/۰۵		
	۱۹۹۵	۱۷/۷۸		
	۱۹۹۶	۲۴/۷۵		

مآخذ: محاسبات تحقیق و منابع پیشین

با توجه به آمار در دسترس سالهای مختلف برای گرامین بانک و روند رو به رشد آن می‌توان پیش‌بینی کرد که‌این نسبت برای سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ بسیار بالاتر باشد. این امر حاکی از عمق شکاف بین ساختار مدیریت و فعالیت گرامین بانک، به عنوان یک نهاد پیشرو، با صندوقهای قرض‌الحسنه است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

روند تغییرات جوامع روستایی کشور در دو دههٔ اخیر نشان می‌دهد که تحولات مختلفی در ابعاد متنوع جامعهٔ روستایی به وقوع پیوسته که منجر به تغییر چهرهٔ مناطق روستایی و خارج شدن آنها از حالت عقب‌ماندگی و فقر مطلق شده است. اگر ارکان جوامع روستایی را شامل انسان و تولیدات کشاورزی و زیرساخت‌های روستایی بدانیم، به نظر می‌رسد که قسمت اعظم بهبود ایجادشده صرفاً

www.SID.ir

Archive of SID

در بُعد زیرساخت‌های روستایی بوده و در سایر زمینه‌ها پیشرفت محسوسی رخ نداده‌است، به گونه‌ای که شاخصهایی نظیر فقر و نرخ مهاجرت از روستا و درآمد سرانه و نظایر آن حکایت از عمق توسعه‌نیافتگی جوامع روستایی دارد. همچنین به نظر می‌رسد، با توجه به نقایص گفته شده در مورد بازارهای مالی روستایی (نظیر درآمد فصلی روستاییان ، کمبود سرمایه، نبود شفافیت اطلاعات و ...)، ایجاد و گسترش مؤسسات مالی خرد گامی مهم درحرکت به سمت توسعهٔ مناطق روستایی باشد؛ بویژه که تجربهٔ این قبیل مؤسسات در شرق آسیا نیز بر این کارکرد صحه می‌گذارد. اثرهای مثبت مؤسسات تأمین مالی روستایی، نظیر گرامین بانک بنگلادش و راکیات بانک اندونزی و بانک کشاورزی و تعاونیهای کشاورزی تایلند در کاهش فقر در جوامع روستایی، تسهیل دسترسی فقیرترین اقشار اجتماع به‌اعتبارات کوچک و نسبتاً ارزان و جلب مشارکت جوامع روستایی درسهای فراوانی برای سایر کشورهاست، هرچند باید این نکته را نیزدرنظر داشت که درتحلیل عملکرد این قبیل مؤسسات لازم است شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جوامع مربوط نیز لحاظ شود.

در این تحقیق صندوقهای قرض‌الحسنه (با تأکید بر بخش روستایی) به عنوان نهاد خُرد در مقایسه با گرامین بانک بنگلادش مورد توجه قرار گرفت. عملکرد صندوقهای قرض‌الحسنه نشان می‌دهدکه عدم تجهیز مناسب سپرده‌ها و ارائه محصولات پس‌اندازی کاملاً غیر متنوع به همراه عواملی نظیر کمبود سرمایه و کمکهای مالی ناچیز و کاملاً موردی نهادهای دولتی و مردمی، هزینه‌های عملیاتی بالا و کارکنان آموزش‌ندیده، ساختاری را پدید آورده‌است که کارکرد آن اعطای تعداد کمی وام ارزانقیمت بوده است. مقایسهٔ صندوقهای قرض‌الحسنه و گرامین بانک بنگلادش، به عنوان یک نهاد مالی خرد موفق، نشان داد که صندوقهای قرض‌الحسنه در مواردی نظیر توانایی جذب کمکهای نهادهای دولتی، نفوذپذیری اعتبارات ، روند دستیابی به خودکفایی مالی و نسبت ارزش افزوده به کارکنان و اعتبارات پرداختی، بسیار ضعیفتر از گرامین بانک عمل کرده‌اند.

در مجموع، با عنایت به تجربه موفق کشورها در تأمین مالی روستایی و به منظور ساماندهی نظام مالی روستایی در کشور، می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر جهت بهبود عملکرد نظام مالی و خرد روستایی در کشور ارائه کرد:

www.SID.ir

Archive of SID

ـ شروع اولیه فعالیتهای مؤسسات تأمین مالی خرد موفق (نظیر گرامین بانک) معمولاً با استفاده‌از اعتبارات اهدایی (توسط دولتها یا منابع بین‌المللی بوده‌است) ولی این مؤسسات ملزم به کاهش اتکا به‌این قبیل منابع بوده‌اند، در حالی که در مورد صندوقهای قرض‌الحسنه این کمکها کاملاً موردی و بی‌هدف بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود که علاوه بر مشخص کردن وظایفی برای صندوقهای قرض‌الحسنه (توسط دولت یا ارکان بالادستی) مبنی بر تحت پوشش قرار دادن اقشار خاص (فقرای روستایی، نیازمندان، معلولان، زنان سرپرست خانوار و ..) به‌این صندوقها کمکهای هدفمند شود، به نحوی که‌اتکای آنها به‌این کمکها در طول زمان کاهش یابد.

ـ با توجه به مشکلات صندوقهای قرض‌الحسنه در جذب سپرده پیشنهاد می‌شود که یا قوانین مربوط به نحوی تغییر کند که‌این صندوقها امکان جذب سپرده‌ها از طریق پرداخت سود را داشته باشند و یا اینکه از منابع یک بانک روستایی (مانند بانک کشاورزی) تأمین مالی شوند.

ـ صندوقهای قرض‌الحسنه و بانک کشاورزی می‌توانند با استفاده‌از طرحهای مشترک با کمیتهٔ امداد وضعیت وامدهی خود را از نظر شناسایی اقشار کم درآمد و نظارت بر نوع مصرف وام بهبود بخشند.

ـ ارائه محصولات پس‌اندازی متنوع (اعم از اجباری و اختیاری)از نظر مدت سپردهٔ پس‌انداز و شرایط آن نقش مهمی‌در افزایش قدرت جذب سپرده‌ها در صندوقهای قرض‌الحسنه و بانک کشاورزی خواهد داشت.

ـ ساماندهی مشتریان به نحوی که به گروههای مختلف تقسیم شوند و اعضای این گروهها از نظر شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از شرایط نسبتاً مشابهی برخوردار شوند، مزایای بسیاری نظیر تشکیل گروههای خودیار، کاهش ریسک عدم بازپرداخت وامها، امکان نظارت درون‌گروهی، امکان وامگیری افراد بدون وثیقه، افزایش مشارکت مشتریان در روند اعطای وامها، تمرکز اعطای وام به گروههای خاص و ... دارد. لذا تغییر جهت وامهای خرد اعطایی از سمت نیازهای ضروری (برای افرادی که از فقر شدید رها شده‌اند) به سوی وامهای تولیدی و کسب و کار باید به عنوان یکی از جهتگیریهای اساسی اعطای وامهای خرد مدنظر قرار گیرد.

www.SID.ir

Archive of SID

ـ شرایط وامهای خرد اعطایی از نظر مدت بازپرداخت و وثیقه مورد نیاز باید کاملاً انعطاف‌پذیر و در عین حال مشخص باشد، به گونه‌ای که مؤسساتی نظیر صندوقهای قرض‌الحسنه یا بانک کشاورزی بتوانند مبلغ معینی وام را با شرایط کاملاً مختلف عرضه کنند تا نیاز همهٔ مشتریان براورده‌شود.

ـ دریافت نرخ سود معقول از وامها یکی از مهمترین عوامل ادامهٔ فعالیت مؤسسات تأمین مالی است. دریافت نرخ بهرهٔ پایین (نظیر صندوقهای قرض‌الحسنه) مؤسسات را با مشکلاتی در مورد خودکفایی مالی و سهمیه‌بندی اعتبارات مواجه می‌کند. از طرفی دریافت نرخ بهرهٔ بالا نیز با توجه به هدفهای مؤسسات تأمین مالی خرد (مبنی بر امدادرسانی به‌اقشار فقیر و ارتقای توانایی مالی این گروهها) توجیه ناپذیر است.

ـ استفاده از ابزار نوین مالی برای تأمین منابع سرمایه‌ای (انتشاراوراق مشارکت، سهام و ...) نقش مهمی‌در تأمین منابع اعطای اعتبار و تداوم امدادرسانی مؤسسات مالی خرد دارد.

ـ همان طور که در مقایسهٔ صندوقهای قرض‌الحسنه با گرامین بانک بنگلادش اشاره شد، نسبت ارزش افزوده به تعداد کارکنان این صندوقها بسیار پایین است. با توجه به سطح سواد نسبتاً پایین نیروی کار این نهاد ، به نظر می‌رسدکه بازآموزی و ارتقای توانایی تحصیلی کارکنان نقش مهمی در کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش بهره‌وری داشته باشد.

ـ صندوقهای قرض‌الحسنه ، بر خلاف ماهیتشان، عموماً به صورت غیرمشارکتی اداره می‌شوند. لذا پیشنهاد می‌شود که بحث استقلال مدیریت در تدوین و اجرای سیاستها و اعطای وام و ... در این نهادها جدی گرفته شود تا از این رهگذر کارایی آنها افزایش یابد.

ـ کاهش هزینهٔ سربار شعبه‌ها (بویژه در صندوقهای قرض‌الحسنه) نقش مهمی‌در تداوم امدادرسانی خواهد داشت.

منابع

www.SID.ir

Archive of SID

۱.اندبیلی، صفت الله و عباس رحیمی (۱۳۷۹)، شناسایی و تحلیل چگونگی شکل‌گیری، سازوکارهای اجرایی و زمینه فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی کشور، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.

۲.ایرانشاهی، حسین (۱۳۸۰)، بررسی ضرورت تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی و ارائه الگوی ساختاری اثر بخش و کارآمد برای آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی، کرمانشاه.

۳.سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۹)، بررسی بازار پول و سرمایه و اهمیت آن در توسعه مناطق روستایی کشور: تحلیل وضع موجود و تجربه سایر کشورها، معاونت امور زیربنایی، دفتر امور عمران شهری و روستایی، تهران.

۴.طالب، مهدی (۱۳۷۲)، اعتبارات روستایی در ایران: نگاهی جامعه‌شناسانه به مسائل، جهادسازندگی ، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، تهران.

5.Alamgir, Mohiuddin (1998), Contribution of Grameen Bank to gross domestic of Bangladesh : Preliminary *Estimates,* Dacca: Bangladesh Institute of Development Economics.

6.Bank Negare Malaysia, Annual Report, Various Years.

7.Central Bureau of Statistics (1996), Indonesia Economic Report, Bank Indonesia: Indonesian Financial Statistics.

8.Gomez, R. & E. Santor (2003), Do peer group members outperform individual borrowers? A test of peer group lending using Canadian microcredit data, Working Paper from Bank of Canada.

9.Iftekhar, Hossain and Javad Sakhawat (1996), Microfinance capacity assessment, KualaLumpur: Asian and Pacific Development Central.

10.Iftekhar, Hossain & Javad Sakhawat (2000), Beu Quinones and Stuart Rutherford, Helsingfors: Sevenska Handelshogskolan.

www.SID.ir

Archive of SID

11.Moseley , P. and D. Hulme (1996), Finance against powerty, Routledge, london.

12.World Bank (1980-1996), World Development Report, Washington D.C.: World Bank.

www.SID.ir